



این خانه واژه‌های نسوزی دارد

■ هاله مشتاقی نیا

❧ <جسمم غزل است اما روحم همه نیماییست...> از این <آینه‌ی تلفیق> برایمان بگویید؟

• ارادت من به شکل شعر دیروزمان (غزل) است که در این شکل، پیچیدگی و محدودیت‌هایی وجود دارد. حال اگر یک شاعر در زمان خود، تجربه‌ی دیروز را هم داشته باشد به یک خط فکری می‌رسد که تلفیقی است از امروز و دیروز. غزل امروز وام‌دار غزل دیروز با بیان نیمایی است یعنی وام‌داری از حافظ و نیماست. تلاش من هم آن است که خط سومی که حاصل تلفیق این دو است، آرایه دهم.

❧ در واقع در همین نگرش است که به زبان ساده و متناسب با گویش امروز در غزل‌های شما می‌رسیم. شما این زبان ساده را چقدر برای مخاطبان امروز مؤثر می‌دانید؟

• روزگار ما دیگر روزگار زبان فاخر نیست! ما نمی‌توانیم در این عصر پردغدغه به مانند خاقانی یا زبان شعرایی مثل او بنویسیم! زندگی امروز ما با پیچیدگی و دغدغه‌های فراوانی روبه‌روست که راهی نداریم جز آن که به سادگی پناه ببریم. شعر هم به مانند زندگی از این قاعده مستثنی نیست. مسیر هنر رو به پیچیدگی است اما هنرمند باید بیان هنری خود را روزبه‌روز ساده‌تر کند. حرف بشر از ابتدا تا امروز یکی بوده است. این نوع متفاوت بیان به مقوله و دغدغه‌های همیشگی بشر مثل عشق، مرگ و... است که شعرا را از هم متمایز ساخته است. خاقانی در عصر خود به گونه‌ای دیگر بیان کرد، حافظ شکلی دیگر و همان‌طور که اشاره شد ما هم به زبانی ساده در این عصر پرهیاهو نیاز داریم.

❧ جدا از نیاز به سادگی در این عصر پرشتاب، <ایجاز> هم دغدغه‌ی بسیاری از شاعران این عصر بوده است. همچنان که شما هم در شعر <کاسه آب دیوژن> به نوعی به آن پرداخته‌اید:

من و دریا غزلی ناب سرودیم از تو
غزلی مثل تو نایاب سرودیم از تو
هنوز خیالاتی ام
به شتاب انسان امروز
به کاسه‌ی آب دیوژن
به بی‌وزنی می‌اندیشم

و ...

پاک کن را برمی‌دارم

من

دریا

غزل

تو

روزگار ما دیگر روزگار زبان
فاخر نیست! ما نمی‌توانیم
در این عصر پردغدغه به
مانند خاقانی یا زبان
شعرایی مثل او بنویسیم!
زندگی امروز ما با
پیچیدگی و دغدغه‌های
فراوانی روبه‌روست که
راهی نداریم جز آن که به
سادگی پناه ببریم.

من با هر گونه نقدی که در
عرصه شعر انجام می‌شود
مخالفم! دلیل موجهی هم
دارم: برای این که اکثر
منتقدان با فلسفه آشنا
نیستند! ما در روزگاری
هستیم که برای انتقاد باید
آن اثر را درست بشناسیم
اما در کمال تأسف نقدها
شخصی و بدون شناخت
کامل است!

• درست است! <شعر کاسه آب دیوژن> نگاهی به رفتار انسان امروز با پیرامون خودش دارد و گویای رفتار شاعر امروز با کلمه است که در آن به نوعی به غریب کردن خود رسیده‌ام. با تمام ارادت به غزل، در پایان آن را در چهار کلمه‌ای که از همان اول به آن می‌خواستیم برسم خلاصه کردم.

📌 در واقع می‌توان گفت اشاره به همان <آن> شاعرانه که بن مایه هر شعری است؟

• واژه‌ی قشنگی به کار بردید: <آن> که می‌تواند یک منظومه‌ی بلند از شاعر بیرون بکشد و یا یک حرف که آن هم می‌تواند شعریت داشته باشد و این دیگر دست خود شاعر است اما همچنان که گفتم زمانه بر سر ما چنان آورده که ما را دچار عصاره‌گیری کرده است.

📌 در کتاب <این خانه واژه‌های نسوزی دارد> چند شعر در مورد <سرک‌نگی> است که اشاره داشته‌اید حرکتی آئینی در رقص مردم جنوب ایران است. نگاه شاعرانه به آئینها را چقدر در شناخت آنها مؤثر می‌دانید؟

• در ابتدا بگویم شاید عده‌ای بر این عقیده باشند که <سرک‌نگی> مراسمی آئینی نیست! اما من بر این باورم که این مراسم آئینی است چرا که آن را فراتر از حرکت و رقص می‌بینم من اولین باری که در این مراسم حضور یافتم به شکلی مسخ شده و مبهوت به آن نگاه می‌کردم. زمان را گم کرده بودم و در واقع انسان را به نوعی سماع می‌کشاند. به همین دلیل به آئینی بودن آن می‌رسیم چون هر تعریفی که بخواهیم برای این مراسم ارایه دهیم، باز هم تعریفی فراتر وجود دارد. اما نگاه شاعرانه به آئینهای مختلف از سوی شعرا ضرورت دارد. آئینها قسمتی از طبیعت زنگی بشری هستند و انسان -- خاصه یک شاعر -- نمی‌تواند از آن جدا شود و تفکر در این مورد گریز ناپذیر است.

📌 ... چندی خیال می‌سرایي

چندی خیال می‌سراید

خیالی که شدی

دوستدارانی پیدا می‌کنی

که خیال نیستند ...

عنصر <خیال> همیشه از مشخصه‌های درون مایه سخن شاعرانه بوده است. حال به طور خاص از این عنصر در شعر <چند عصا ساییده باشم و هنوز> برایمان بگویید.

• این شعر نشان دهنده‌ی سیری است که به طرف تکامل شعر و شاعری پیش می‌رود. این شعر شرح می‌دهد که یک شاعر با <خیال> شروع می‌کند، اما بعد از یک مدت این <خیال> است که به سراغ شاعر می‌آید تا آن را بسراید و در این جاست که شاعر، شاعر می‌شود!

📌 وضعیت <نقدادبی> را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• من با هر گونه نقدي که در عرصه شعر انجام می‌شود مخالفم! دلیل موجهی هم دارم: برای این که اکثر منتقدان با فلسفه آشنا نیستند! ما در روزگاری هستیم که برای انتقاد باید آن اثر را درست بشناسیم اما در کمال تأسف نقدها شخصی و بدون شناخت کامل است!

📌 برای حسن ختام از کنگره‌ی ادبی بندرعباس بگویید که چهارسال است در آن جا برگزار می‌شود. این نشستها را چقدر در شناسایی جوانان مستعد مؤثر می‌دانید؟

• این کنگره هر سال به همین منظور برگزار می‌شود و ما شاعران و قصه -- نویسان جوان را از سراسر کشور گرد هم جمع می‌کنیم و مجموعه آثار آنها را از ابتدا تا انتهای کنگره که در حدود شانزده CD است، به این جوانان که نزد ما آمده‌اند، می‌دهیم و وقتی آنها تمام هستی نشستها را با خود به شهر و دیارشان می‌برند، چه بسا جوانان مستعد دیگری هم برای حضور آتی مشتاق شده و همین امر باعث تثبیت این کنگره و شناسایی جوانان شده است.